

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبهانگ راد

۰۶ دسمبر ۲۰۱۷

شانزده آذر [قوس]، توقعات و انتظارات

رژیم جمهوری اسلامی بهمانند رژیم شاهنشاهی، تلاش بسیاری نموده است تا جنبش دانشجویی و دانشگاه‌ها را، به سکوت وادارد و اعتراضات و مبارزاتشان را، به حاشیه براند. آن رژیم (شاهنشاهی)، فاجعه شانزده آذر را به وجود آورد و این رژیم (جمهوری اسلامی)، با طرح و با اتخاذ سیاست‌هایی همچون "انقلاب فرهنگی"، به بستن دانشگاه‌ها گردن نهاد تا به قول خود، از پتانسیل و از انجام وظایف آگاه‌گرانه‌اش باز دارد. بی تردید ماحصل جنبش دانشجویی و بهمانند دیگر جنبش‌های دمکراتیک، به ده‌ها پارامتر مربوط می‌شود و پُر واضح است که، این جنبش همچون دیگر جنبش‌های دمکراتیک، متأثر از دیگر جنبش‌های اعتراضی، اوضاع سیاسی درون جامعه، کنش و واکنش‌های طبقات متفاوت، حرکت و بی‌حرکتی جنبش روشن‌فکری، سازمانی - تشکیلاتی‌ست. می‌توان این جنبش و دانشگاه‌ها را به طور مجزا و فارغ از نقش و توانمندی دیگر اعتراضات کارگری - توده‌ای، فارغ از دخالت‌گری و یا عدم دخالت‌گری سازمان کمونیستی، مورد بررسی و تدقیق قرار داد؛ اما نمی‌توان و بناصحیح‌ست، تا جنبش میادین فراگیر علم و دانش و نشر و آگاهی را، به‌عنوان سردمدار، و پیشروان راه رهائی کارگران و زحمت‌کشان، از زیر ستم و مظالم امپریالیستی توضیح داد. به این سبب که، جنبش دانشجویی، جنبش سیال است، مکان و ظرف‌های فعالیت دانشجویان در درون دانشگاه‌ها، درازمدت و دائمی نیست. نقش این جنبش بهمانند دیگر جنبش‌ها، طرح و بیان خواسته‌های سیاسی - صنفی روزانه و همچنین به عقبراندن دم و دستگاه‌های رژیم، و آن‌هم به‌عنوان نهادها و ارگان‌های باز دارنده نشر آگاهی درون جامعه، می‌باشد. جنبش سازمانده اعتراضی کارگران و زحمت‌کشان نیست، فقط و فقط، مبلغ و سخن‌گوی علل بی‌عدالتی‌های حاکم بر جامعه و همچنین شناسائی بهتر ماهیت رژیم‌های سرکوبگر و خشنی، همچون رژیم جمهوری اسلامی‌ست.

با این تفصیل، حیات، سر زندگی و تحرک جنبش دانشجویی، مستلزم ارتباط با دیگر جنبش‌های اعتراضی - توده‌ای، و به ویژه، مستلزم تحرک دائمی و روزانه جنبش روشن‌فکری سازمانیافته است. فارغ از این‌ها و علی‌رغم تنیدگی این جنبش‌ها و علی‌رغم افت و خیزها و ایستائی مبارزاتی و اعتراضی در درون دانشگاه‌ها، صدای دانشجویان همچنان رساست و بی دلیل هم - نبوده و - نیست که، از زمان دور و دراز، و از زمان تأسیس دانشگاه‌های ایران، فضای جامعه، شاهد طنین اعتراضی دانشجویان علیه ظلم، بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌ها بوده است. پرچمدار اعتراض، به بی‌حقوقی و به‌دنباله، عنصر و صنف ایستادگی در مقابل تعرض ارگان‌های مسلح و وابسته به نظام، در درون دانشگاه

ها بوده است. شانزده آذر، در میانه چنین افکار و فضای سرکوبگرانه‌ای تولد یافت و به سهم خود و به رغم تهدیدها، بگیر و ببندها و لشکرکشی نیروهای مسلح و وابسته به نظام شاهنشاهی، ایستاد و خون داد، تا، از بار مسؤلیت و از نقش دانشگاه‌ها در مقابل ستم باز نماند.

شانزده آذر در تاریخ مبارزاتی دانشجویان ثبت شد و هر ساله در این روز، دانشجویان به پاس ایستادگی و به اعتبار مقاومت دانشجویان، که منجر به جان‌باختن سه دانشجوی مبارز، مصطفی بزرگ‌نیا، مهدی شریعت‌رضوی و احمد قندچی گردید، یاد آن عزیزان را گرامی داشته و در همان‌حال، بر خواسته‌ها و بر مطالبات بحق‌شان پای می‌فشارند. به سخن دیگر، باید گفت که تاریخ و قدمت دانشگاه، مترادف با تاریخ و قدمت اعتراضی - مبارزاتی دانشجویان، با دم و دستگاه‌های نظام‌های امپریالیستی بوده است. تعرض به دانشجویان، دائمی و مختص تمامی رژیم‌های حاکم بر جامعه می‌باشد و تا به‌حال، هیچ رژیم و یا دولتی، از تخطئه و به انحراف کشاندن دانشجویان، کمترین کوتاهی از خود به خرج نداده‌اند. شانزده آذر، الگو و سمبل اعتراضات دانشجویی‌ست و مشاهده شده است که هر ساله، منادیان و حافظان نظام امپریالیستی، در کوران چنین روزی، رندانه خود را حامی و مدافع دانشجویان قلمداد نموده و تلاش می‌ورزند تا به‌منظور به انحراف کشاندن افکار جامعه، قیافه دفاع از دانشگاه‌ها و دانشجویان را به‌خود گیرند. همین چند روز قبل روحانی سر کرده دولت "امید و اعتدال"، طی سفری با عنوان "اولین سفر کاروان تدبیر و امید و دولت دوازدهم" از سیستان و بلوچستان، گفت: "در دوره دولت یازدهم یکی از تلاش‌های دولت شکوفا شدن روز دانشجو بود و چنانچه ۴ سال گذشته را با ۸ سال آن مقایسه کنید به روشنی خواهید دید که دانشجو و دانشگاه امروز با صدای رسا و بدون لکننت زبان سخن می‌گوید. ای کاش فرصت بیشتری وجود داشت تا همه دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی نظرات خود را مطرح کنند اما با وجود محدودیت زمان باز هم تلاش شده که صاحبان تفکرات و تشکل‌های مختلف بتوانند دیدگاه‌های خود را مطرح کنند".

روحانی نگهبان و کلید دار این دوره نظام جمهوری اسلامی، بر این ادعاست که در دوران ریاست جمهوری‌اش، روز و صدای دانشجو، و آن هم به یمن و لطف دولت تدبیر و امید، "شکوفا" تر و "رسا" تر شده است و دانشجو بدون کمترین "لکننت زبان"، و بدون هزینه، سخن می‌گوید. کتمان می‌کند که همین چند روز قبل و در زیر سایه دولت دوازدهم، مسؤولین دانشگاه، در، دانشگاه نفت آبادان را، به دلیل اعتراضات دانشجویان، نسبت به وضعیت وخیم و بی‌امکانی و آن هم تا اطلاع ثانوی تخته نموده‌اند. به دنباله همچنین چندی پیش بود که، دانشجویان دانشکده پرستاری شیراز، نسبت به اجرای طرحی با نام "اینترن‌شیپ" که برای آموزش دانشجویان ترم هفتم آغاز شده بود معترض شدند. طرحی که دانشجویان را وادار می‌کند تا "بدون حضور استادان، به رتق و فتق امورات بیمار و انجام دیگر امور پزشکی مهم، از جمله تزییقات و ریدی بردازند...". مضافاً این که شرایط سخت کاری، فقدان امکانات اولیه از جمله اتاق تعویض لباس و کمده جهت استراحت شیفیت شب، سرویس ایاب و ذهاب و استفاده از دانشجو در شیفیت‌های مختلف (صبح و عصر و شب) به‌عنوان پرسنل رایگان در بیمارستان نیز از زمره مواردی‌ست که باعث گردیده است تا دانشجویان دانشکده پرستاری، علیه مسؤولین و دولت دوازدهم دست به اعتراض بزنند. البته بر آمد تلاش‌های دانشجویان با مسؤولین دانشکده، و بنابه رسم و رسوم تاکنونی، چیزی جر، توهین، تهدید به اخراج و مراجعه بعضاً دانشجویان به کمیته‌های انضباطی نبوده است. کمیته‌هایی که نقش تخطئه هرگونه اعتراضات دانشجویی را بر عهده داشته و در عمل، به‌عنوان مجریان سیاست‌های نظام امپریالیستی در درون دانشگاه‌ها، به‌حساب آمده و می‌آیند.

این‌ها نمونه‌هایی از اوضاع و بی‌توجهی رؤسای مملکت و دانشگاه‌ها نسبت به مطالبات دانشجویان است. اوضاعی که ریشه در مناسبات منفعت‌جو و سرکوبگر دارد. سیستم و مناسباتی که با حکمرانی امثالی همچون روحانی، بر دم و

دستگاه‌های دولتی. دانشجو در درون دانشگاه‌ها، بدون حقوق خواهد ماند، و آینده‌ای جز، بیکاری و دربدری در مقابلش قرار نخواهد داشت. چنین وضعیتی را «ناصر قربانی» در مراسم شانزده آذر امسال در دانشگاه سیستان و بلوچستان و به‌نماینده‌گی از انجمن‌های علمی و نشریات دانشجویی و آن‌هم در مقابل رئیس جمهور روحانی گفت: "از این که دانشگاه‌های کشور به سمت پولی شدن در حرکت هستند، از این که هیچ قانون، امتیاز و حمایتی نسبت به استمرار فعالیت و افزایش انگیزه در حوزه انجمن‌های علمی وجود ندارد، از این که به عنوان یک دانشجو هزار پیچ و خم و مانع برای انجام یک بازدید علمی بر سر راهمان وجود دارد و از این که هیچ تضمینی برای استخدام در رشته تخصصی خود وجود ندارد؛ گله داریم. هرچند بعضی از این گله‌ها از سوی همکاران بنده در تریبون‌های پیشین به سمع و نظر حضرتعالی رسیده است اما تاکنون توجهی به آن صورت نگرفته است. ...

یقیناً، چپاول دانشجویان و تقبل هزینه‌های هنگفت و کمرشکن از جانب فراگیران علم و دانش، به‌خودی خود، موضوع و معضل بسیار کلانیست که بر شانه‌های دانشجویان سنگینی می‌کند و چنان‌چه و در این‌میان، بخواهیم، بر دیگر پیچ‌وخم‌های اداری - آموزشی، و همچنین بر محدودیت‌های تحصیلی و بر فقدان چشم‌اندازی‌های کاری پس از فارغ التحصیلی، بیفزائیم، آن‌وقت راحت‌تر و آسان‌تر می‌توان، به ماهیت شکوفائی دانشگاه‌ها و به صدای رسای دانشجویان و آن‌هم تحت حمایت دولت تدبیر و امید، پی بُرد. بی‌گمان این‌دست موارد بازگو شده، در زیر سیطره نظام جمهوری، امر تازه‌ای نیست، بلکه مرور زمان، و به یمن حکمرانانی همچون روحانی، بر میزان آن‌ها افزوده گردیده است. ستاره دار شدن، تهدید به اخراج و به بند کشیدن دانشجویان، و وادار نمودن آنان از طرح و از بیان مطالبات اولیه‌شان، همچنان در سر تیتیر و وظایف مسوولین دانشگاه‌ها و مقامات دولتی قرار دارد. رژیم، دانشگاه‌ها را به مؤسسات مالی برای عده‌ای مفت‌خوار تبدیل نموده است، پایانی در سر کیسه نمودن دانشجویان و در ناامنی شغلی آنان پس از فارغ‌التحصیلی نیست. کوتاهی‌ها در میادین آموزشی بسیار زیاد است و به زعم ادعاهای این و یا آن سرکرده نظام سرمایه‌داری، دانشگاه‌ها به‌عنوان مکان ترقی و پلکان پیش‌رفت جامعه و همچنین میدانی برای فراهم نمودن زندگی بهتر دانشجویان پس از تحصیل نیست. با این اوصاف سخن گفتن از استقلال و آزادی دانشجویان در درون دانشگاه‌ها، پوچ و بیهوده است. چرا که چتر زورمداران اقتصادی، بر پهنه دانشگاه‌ها گسترده شده است و دانشگاه‌ها را از درون می‌بلعد. اعتراض به چنین وضعیتی، نه تنها از جانب دولت‌های گذشته، بلکه از سر خیر دولت روحانی هم، هم‌معنا، با توهین، تحقیر، دستگیری، شکنجه و ستاره دار شدن است. نهادهای امنیتی وابسته به دولت، در درون دانشگاه‌ها و به‌مانند دیگر دولت‌ها، لنگر انداخته‌اند و به شکار معترضان و مخالفان می‌پردازند. هیچ عرصه و هیچ قسمت از امکانات اولیه جامعه، در خدمت به فراگیران علم و دانش، و دانشجویان نیست. در حقیقت حمایت دولت را می‌توان در بحیوبه اعتراضات و مطالبات اولیه دانشجویان، نسبت به رؤسا و دیگر نهادها و ارگان‌های ذینفع نظام، دید. نمونه آن‌را می‌توان - و بنابه گفته "محمدصردا صنعتی دبیر انجمن اسلامی دانشجویان پیرو خط امام(ره) دانشگاه سیستان و بلوچستان" -، در ستاره دار شدن چند صد دانشجو در دانشگاه‌های ایران دید".

با وجود چنین اوضاع بغرنج و افسار گسیخته‌ای، سرکرده دولت دوازدهم، ریاکارانه و زمانی از آزادی بیان و نقد دانشجویان نسبت به دولتش حرف به‌میان می‌آورد، که در همان‌وقت، مسوولین، دانشجویان معترض دانشکده نفت آبادان را، شب و بدون غذا و آب و آن‌هم در سرمای شدید، به بیرون از خوابگاه‌ها روانه نمودند و به دنباله، ارگان‌های مسلح، دانشجویان را به‌جرم انتقاد، مورد ضرب و شتم قرار دادند و حداقل شصت تن از آنان‌را، به‌عنوان دانشجویان ستاره دار و بعضی از آنها را به کمیته انضباطی دانشگاه فرا خواندند. این‌دست اعمال سرکوب‌گرانه، نه تحت ریاست دولت‌های گذشته و به اصطلاح فرقه زنبیلیون، بلکه توسط دولت اعتدال صورت می‌گیرد، آشکار است که اقدامات دولت کنونی،

همان اقدامات و سیاست‌های دولت‌های پیشین نظام است. شکی در آن نیست که روحانی، بدون باوری عمیق و تن دادن عملی، به آن سیاست‌ها، قادر به تکیه زدن بر قوه مجریه نظام جمهوری اسلامی نبوده است. به عنوان سوپاپ اطمینان نظام، وی را بر سر کار گمارده‌اند، تا دانشگاه‌ها و دانشجویان را مورد تعرض و ضرب و شتم قرار دهد و خلاف اراجیفش، مبنی بر این‌که: "انتقاد حق شماسست و حتماً هم دولت را نقد کنید، و در مجموعه دولت هم رئیس جمهور را نقد کنید چرا که هزینه بسیار کمتری دارد"، چیزی جز، گزافه‌گویی است. به این علت که دولت کنونی، قدم در راهی گذشته است که دیگر دولت‌های گذشته رژیم جمهوری اسلامی به دنبال آن بودند.

ادعاها در خلاف اعمال مشاهده شده در درون دانشگاه‌ها و در دیگر میادین آموزشی است. دولت وی، از هر جهت به دنبال، به تسلیم واداشتن، و ضرب و شتم دانشجویان است. دولت‌ها یکی پس از دیگری، در پی تسخیر و کنترل بیشتر دانشگاه‌ها و دانشجویان‌اند. بنابراین، تا زمانی‌که، سردمداران رژیم جمهوری اسلامی بر سر مسند قدرت‌اند، دانشگاه‌ها، همچنان، همان مسیر و سمت‌وسویی را طی خواهند کرد که تاکنون پیموده‌اند. اخاذی، محدودیت و در مضیقه قرار دادن دانشجویان، تنگ نمودن فضای دانشگاه‌ها و تخطئه صدای اعتراضی و ستاره دار نمودن آنان، از زمره سیاست‌های روتین و دائمی نظام جمهوری اسلامی است. خلاصه و در سالروز شانزده آذر - روز دانشجو - و جدا از گرامیداشت این روز، لازم است تا بر این امر تأکید نمود که از یک‌طرف، توقع دیگر، جنبش‌های اعتراضی، از جنبش دانشجویی، پیگیری طرح مطالبات بحق صنفی - سیاسی‌شان، پس زدن نهادها و ارگان‌های بازدارنده نظام در درون دانشگاه‌ها، و از طرف دیگر، نشر حقایق و افکار انقلابی، توضیح علل و ریشه بی‌عدالتی‌های حاکم در درون جامعه، و آن‌هم به‌عنوان بخشی از جنبش روشن‌فکری ایران است. انتظاری فراتر از این‌ها، بناصحیح، غیر علمی و عملی است. چرا که اهداف و وظیفه جنبش دانشجویی، از زمره اهداف و وظایف جنبش روشن‌فکری کمونیستی به حساب نیامده و این وظیفه خطیر، بر گرده سازمان کمونیستی با برنامه است. پُر واضح است که رهائی جنبش دانشجویی، از سنگلاخ‌های کنونی و از مشکلات دست‌ساز نظام امپریالیستی، در گُرو، سازمان‌یابی دیگر جنبش‌های دمکراتیک، و آن‌هم توسط پیشروان و پیشگامان انقلاب کارگری - توده‌ئی می‌باشد.

۵ دسمبر ۲۰۱۷

۱۴ آذر [قوس] ۱۳۹۶